

ارزیابی شاخص توسعه انسانی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد

سید یعقوب زراعت کیش^۱ - منصور کریمی^۲ - مریم مرواریدی^۳

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد که خود متشکل از سه زیرشاخص امید به زندگی، آموزش و درآمد است. روش مورد استفاده تحقیق توصیفی-تحلیلی است که داده‌های تحقیق با استفاده از آمار و اطلاعات برگرفته از سالنامه‌های آماری، مراکز آموزشی و بهداشتی، سازمان آموزش و پرورش و سایر ادارات و سازمانهای زیربط استان صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت توسعه انسانی در روستاهای استان نسبت به سالهای گذشته بهبود یافته و از ۰/۴۶۶ در سال ۱۳۷۵، به ۰/۷۰۳ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است یعنی از توسعه انسانی پایین به توسعه انسانی میانه یا متوسط رسیده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد شاخص درآمد نتوانسته سهم قابل قبولی در روند شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان داشته باشد. لذا توجه به سیاستها و راهکارهایی جهت افزایش درآمد سرانه خانوارها ضروری است.

واژگان کلیدی: شاخص توسعه انسانی، شاخص درآمد، شاخص آموزش، شاخص امید به زندگی

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، گچساران، ایران

مقدمه

ارزشیابی کرده و برای دخالت سیاسی اولویت تعیین کنند (عباسی نژاد، رفیعی امام، ۱۳۸۵).

اساس معرفی این شاخص بر این ایده استوار است که لازمه پیشرفت جوامع علاوه بر رسیدن به رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

رویکرد توسعه انسانی به طور کلی منطبق بر منطق بیان شده از سوی ارسطو در دو هزار سال قبل می‌باشد: ثروت اساساً چیزی نیست که ما بدنبال آن هستیم چرا که این نوع ثروت فقط برای بدست آوردن چیزهای دیگر بکار می‌رود (آناند و سن، ۲۰۰۰). این رویکرد، شالوده اصلی خود را از رویکرد قابلیت‌های آمارتیاسن که عبارتست از «توانایی یک فرد برای داشتن انتخابهای مختلف و دستیابی به سطح رفاه متناظر» گرفته است (رنیس، ۲۰۰۴). در واقع توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بنابراین توسعه انسانی عبارت است از فرآیند بسط انتخابها و ظرفیت‌های انسانی (UNDP، ۲۰۰۴).

بنابراین شاخص آموزش که نشانگر پرورش قوای ذهنی است در کنار نماگر رفاه اقتصادی که با درآمد سرانه اندازه گرفته می‌شود قرار گرفت. همچنین شاخص امید به زندگی در بدو تولد برای اندازه‌گیری بهداشت به عنوان پایه‌ای دیگر از این شاخص در کنار دو شاخص قبلی برای اندازه‌گیری توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفت (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

نهایتاً آنچه امروز مورد نیاز است، نهادی کردن اهمیت انسانها در توسعه اقتصادی است؛ زیرا توسعه فرآیندی است که از انسان شروع و به انسان ختم می‌شود (آسایش، ۱۳۷۱).

افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه کنی فقر) و ایجاد اشتغال اهداف توسعه اقتصادی است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

ایده توسعه انسانی با این پیش فرض اساسی ظهور کرد که «درآمد همه زندگی انسانی نیست، بنابراین پیشرفت انسانی را نمی‌توان تنها توسط درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد». پروفیسور آمارتیاسن برنده جایزه نوبل علم اقتصاد در سال ۱۹۸۸ (۱۳۷۷) نیز در توسعه این چارچوب فکری کمک بسزایی کرده است. وی با طرح ایده «ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی» این واقعیت مهم را آشکار ساخت که دستیابی به زندگی بهتر بیش از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است و بنابراین بسط ظرفیت‌های ذهنی از طریق آموزش در کنار درآمد از عناصر اصلی توسعه انسانی به شمار می‌آید.

اگر چه بحث‌های دانشگاهی و علمی درباره شاخص توسعه انسانی همچنان ادامه دارد، اما آنچه غیر قابل تردید است، این واقعیت است که این شاخص از قدرت توضیحی بیشتری نسبت به محصول ناخالص داخلی برای پیشرفت‌های انسانی در یک جامعه برخوردار است. در عین حال به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های تکامل ایده توسعه انسانی در آینده، توجه به تحلیل روند شاخص توسعه انسانی در یک کشور در افق بلندمدت و بر اساس تحولات اجتماعی و کارکرد نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خواهد بود.

شاخص توسعه انسانی (HDI)، مردم و دولت‌های متبوع آنها را قادر می‌سازد پیشرفت‌ها را در طول زمان

که این کاهش می‌تواند عامل بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی باشد، لذا می‌توان با بهبود شاخص توسعه انسانی در روستاهای استان از جمله افزایش درآمد سرانه و امکانات آموزشی از مهاجرت افراد این مناطق جلوگیری کرد و این بهبود، سرمایه‌گذاری هدفمند و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده و توجه بیشتر در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌طلبد که می‌توان سطح آموزش، بهداشت و درآمد را در روستاهای این استان افزایش داد و در نهایت منجر به افزایش توسعه انسانی در روستاها شد و این افزایش نیروی انسانی خود باعث توسعه و عمران روستاها از جمله توسعه فعالیت‌های کشاورزی و به دنبال آن بهبود اقتصاد کشور می‌شود. استان علیرغم وسعت اندک خود از آنجا که در منطقه‌ای کوهستانی واقع گردیده دارای قابلیت‌های طبیعی متنوعی است.

جدول ۱: میزان شهرنشینی کشور و استان (درصد)

نام	۱۳۸۵	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
کشور	۶۸/۴۶	-	۷۱/۰۳	۷۱
استان	۴۷/۶۴	۵۰/۳	۵۰/۸	۵۱/۶

مأخذ مرکز آمار ایران - دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری (نتایج طرح نیروی کار)

در سال ۱۳۸۹ نرخ مشارکت اقتصادی استان ۳۰/۲۴ درصد، نرخ اشتغال ۸۶/۷۸ درصد، نرخ بیکاری ۱۳/۲۲ و نسبت اشتغال ۲۶/۲۴ درصد می‌باشد همچنین نرخ بیکاری جمعیت ۲۴ - ۱۰ ساله ۴۰/۶۵ درصد می‌باشد (گزارش اقتصادی - اجتماعی، ۱۳۸۹). همچنین در سال ۱۳۸۹ نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال و نرخ اشتغال استان به ترتیب ۳۰/۲۴، ۲۶/۲۴ و ۸۶/۷۸ درصد می‌باشد و همین نرخها برای کشور به ترتیب ۳۸/۲۷، ۳۳/۱۱ و ۸۶/۵۲ درصد می‌باشد (گزارش اقتصادی - اجتماعی، ۱۳۸۹).

رویکرد «رفاه اقتصادی»، مصرف کالاها و خدمات را اساس زندگی بهتر به شمار می‌آورد و از آنجایی که درآمد واقعی میزان مصرف افراد از کالاها و خدمات را تعیین می‌کند، شاخص رفاه اقتصادی، درآمد واقعی است. در حالی که رویکرد توسعه انسانی مصرف کالاها و خدمات را یکی از عناصر زندگی بهتر می‌داند و برآوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را عنصر دیگر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق پرورش قوای ذهنی به ویژه با آموزش حاصل می‌شود، لذا نماگر پیشرفت تحصیلی در کنار درآمد سرانه در اندازه‌گیری توسعه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه از دیدگاه توسعه انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها بجای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را به وجود می‌آورد چرا که ظرفیت‌سازی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را به وجود می‌آورد که نیازی یک زندگی بهتر را تأمین می‌کند.

بنابراین مفهوم توسعه انسانی، رویکردی کل نگر به «زندگی بهتر» است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر وفق پویایی را فراروی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۸).

شاخص توسعه انسانی یکی از مهمترین شاخص‌ها با توجه به جایگاه و نقش موثر نیروی انسانی در راستای برنامه‌های توسعه، ترسیم نمای کلی از کشور در افق ۱۴۰۴، ضرورت تأکید و توجه بیشتر به ابعاد انسانی توسعه استان‌ها به ویژه برای استانهای کم برخوردار را آشکار می‌نماید.

با توجه به اینکه استان کهگیلویه و بویراحمد از جمله استانها محروم کشور است و روستاهای آن از توسعه انسانی پایین برخوردار هستند و همچنین مهاجرت از روستا به شهر در آن بسیار بالاست و مقوله مهاجرت نیز باعث کاهش بیشتر توسعه انسانی می‌شود

جدول ۲: سه شاخص عمده در جمعیت ۱۰ ساله و

بیشتر در سال ۱۳۸۹

سال	نام	نرخ مشارکت اقتصادی	نسبت اشتغال	نرخ اشتغال
۱۳۸۷	کشور	۳۸	۳۴	۸۹/۶
	استان	۳۱	۲۶/۴	۸۵/۱
۱۳۸۸	کشور	۳۸/۹	۳۸	۸۸/۱
	استان	۳۰	۲۷/۲	۸۵/۲
۱۳۸۹	کشور	۳۸/۲۷	۳۳/۱۱	۸۶/۵۲
	استان	۳۰/۲۴	۲۶/۲۴	۸۶/۷۸

مأخذ: نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن سالهای ۸۷ و ۸۸ و طرح نیروی کار ۸۹

بر اساس نتایج طرح نمونه گیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری، در سال ۱۳۸۹ سهم بخش خدمات از اشتغال کشور معادل ۴۸/۵۸ درصد و بیشتر از سایر بخشها بوده است و بخشهای صنعت و کشاورزی به ترتیب ۱۹/۲۲ درصد و ۳۲/۲ درصد در ردههای بعدی قرار دارند در استان نیز بیشترین سهم اشتغال مربوط به بخش خدمات معادل ۳۹/۵۲ است و بخشهای صنعت و کشاورزی با احتساب ۳۸/۶ و ۲۲/۳۲ درصد در ردههای دوم و سوم قرار دارند (گزارش اقتصادی- اجتماعی، ۱۳۸۹).

جدول ۳: شاخصهای عمده نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان و کشور در سال ۱۳۸۹- کل (درصد)

شرح	سهم اشتغال در بخش		
	کشاورزی	صنعت	خدمات
کشور	۱۹/۲۲	۳۲/۲	۴۸/۵۸
استان	۲۲/۳۲	۳۸/۱۶	۳۹/۵۲

مأخذ: مرکز آمار ایران- دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری (نتایج طرح نیروی کار)

در سطح کشور و جهان مطالعات متعددی در ارتباط با ارزیابی شاخصهای توسعه انسانی انجام گرفته است. افشانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه نقاط روستایی کشور بر اساس شاخصهای توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به این نتیجه رسیدند که در سال ۱۳۷۵ بیشتر نقاط روستایی استانهای کشور از لحاظ شاخصهای توسعه انسانی مورد بررسی در سطح محروم و توسعه نیافته قرار دارند. صادقی و همکاران (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران برای سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ با استفاده از محاسبه شاخص توسعه انسانی پرداخته اند. بر اساس نتایج این مطالعه HDI محاسبه شده برای کل کشور حاکی از بهبود توسعه انسانی در طول دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ است. مایکل گریم و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی با استفاده از درآمد گروهها» با توجه به عدم نابرابری در محاسبه شاخص توسعه انسانی، روشی را پیشنهاد می‌دهند که به وسیله آن می‌توان شاخص توسعه انسانی را برای افراد فقیر و غیر فقیر کشورها محاسبه و مقایسه کرد. آنتونی دیویز (۲۰۰۹)، به بررسی اندازه دولت و توسعه انسانی می‌پردازد. نتایج این مطالعه با تفکیک مخارج دولت به مخارج مصرفی و مخارج سرمایه گذاری بر توسعه انسانی، برای ۷۷ کشور در طی ۷ سال نشان می‌دهد که اثرگذاری تغییرات مخارج سرمایه گذاری نسبت به تغییرات مخارج مصرفی بر توسعه انسانی نیازمند زمان طولانی تری است، مخارج مصرفی در بلند مدت از طریق بهبود آموزش و بهداشت، بهره وری و درآمد را افزایش می‌دهد.

روش تحقیق

شاخص توسعه انسانی به عنوان یک متوسط ملی، پراکندگیهای توسعه انسانی میان گروههای مختلف درآمدی، زنان و مردان و مناطق مختلف را نشان

شاخص توسعه انسانی میانگین وزنی ساده از نماگرهای یاد شده است. مقدار شاخص مذکور بین یک حداقل (صفر) و یک حداکثر (یک) قرار می‌گیرد. کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی پایین‌تر از ۰/۵۰۰ به عنوان کشورهای با توسعه انسانی پایین و کشورهای واقع در فاصله ۰/۵۰۰ و ۰/۷۹۹ کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با شاخص ۰/۸۰۰ تا یک به عنوان کشورهای با توسعه انسانی بالا محسوب می‌شوند.

برای محاسبه حداقل و حداکثر شاخص توسعه انسانی، حداقل‌ها و حداکثرها برای سه عنصر شاخص مذکور در نظر گرفته می‌شوند و آن‌ها، حداقل‌هایی هستند که در طول ۳۰ سال گذشته مشاهده شده و حداکثرهایی هستند که می‌توان در طول ۳۰ سال آینده تصور کرد. حداقل برای باسوادی بزرگسالان و نرخ ترکیبی ورود به مقاطع تحصیلی صفر و حداکثر برای آن‌ها ۱۰۰ درصد است. حداقل برای سلامتی، امید به زندگی ۸۵ سال است. حداقل سطح درآمد سرانه ۱۰۰ دلار و حداکثر برای آن ۴۰۰۰۰ دلار است.

شاخص توسعه انسانی به عنوان یک متوسط ملی، پراکندگی‌های توسعه انسانی میان گروه‌های مختلف درآمدی، زنان و مردان و مناطق مختلف را نشان نمی‌دهد. برای توضیح این پراکندگی‌ها، شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل یافته بر حسب توزیع درآمد، جنسیت و مناطق محاسبه می‌شوند. همچنین شاخص فقر انسانی برای اندازه‌گیری میزان محرومیت‌ها درآمدی، بهداشتی و آموزش بکار رفته و جمعیت زیر خط فقر انسانی را در یک کشور نشان می‌دهد. این شاخص برای تعیین میزان محرومیت در طول عمر، درصد افراد دارای امید به زندگی کمتر از ۴۰ سال را و برای تعیین میزان محرومیت در برخورداری از دانش، نرخ بیسوادی را و برای تعیین «میزان محرومیت از داشتن امکانات لازم برای یک زندگی قابل قبول» درصد افراد بدون دسترسی به آب سالم و خدمات

نمی‌دهد. برای توضیح این پراکندگی‌ها، شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل یافته بر حسب توزیع درآمد، جنسیت و مناطق محاسبه می‌شوند. همچنین شاخص فقر انسانی برای اندازه‌گیری میزان محرومیت‌ها درآمدی، بهداشتی و آموزش بکار رفته و جمعیت زیر خط فقر انسانی را در یک کشور نشان می‌دهد. این شاخص برای تعیین میزان محرومیت در طول عمر، درصد افراد دارای امید به زندگی کمتر از ۴۰ سال را و برای تعیین میزان محرومیت در برخورداری از دانش، نرخ بیسوادی را و برای تعیین «میزان محرومیت از داشتن امکانات لازم برای یک زندگی قابل قبول» درصد افراد بدون دسترسی به آب سالم و خدمات اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین شاخص توسعه انسانی، هویتی مستقل از هر یک از عناصر تشکیل دهنده خود دارد.

در این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است، به منظور مرور و جمع‌آوری مبانی نظری مورد نیاز، از اطلاعات مرسوم به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است و داده‌های مورد نیاز از نتایج سرشماری رسمی نفوس و مسکن کشور، سالنامه‌های آماری، مراکز آمار و اطلاعات، مرکز بهداشت، نهضت سوادآموزی و سازمان آموزش و پرورش استان استخراج شده است. در مرحله بعد شاخص‌های درآمدی، آموزشی و بهداشتی محاسبه شده و به کمک آن شاخص‌های توسعه انسانی برای روستاهای استان، بررسی و تجزیه و تحلیل گردید.

HDI به عنوان یک شاخص مرکب خود دارای سه زیر شاخص است:

- ۱- امید به زندگی: نشان‌دهنده عمر طولانی و سلامت
- ۲- پیشرفت تحصیلی: نشان‌دهنده سطح علم و دانش
- ۳- تولید ناخالص داخلی: بیانگر وجود سطح زندگی شایسته و مناسب

مدارس ضریب یک سوم داده می‌شود و از جمع آنها شاخص مورد نظر حاصل می‌گردد.

شاخص دانش (IK) عبارتست از :

$$IK = W_1 \left(\frac{Sc - Smin}{Smax - Smin} \right) + W_2 \left(\frac{Rc - Rmin}{Rmax - Rmin} \right)$$

Rmax: بالاترین میزان باسوادی بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی

Rmin: پایین ترین میزان باسوادی بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی

Rc: میزان باسوادی در کشور مورد نظر

به همین ترتیب نیز Smax, Smin, Sc نشاندهنده میانگین سالهای تحصیلی هستند.

W2: وزنی است که برای باسوادی در نظر گرفته شده و دو سوم است.

W1: وزنی است که برای سالهای تحصیلی در نظر گرفته شده و یک سوم است.

محاسبه شاخص امید به زندگی در بدو تولد

این شاخص که بیانگر طول عمر است، تعداد سالهای مورد انتظار هر فرد برای زندگی را در بدو تولد نشان می‌دهد. به عبارت دیگر امید به زندگی در بدو تولد عبارتست از: تعداد سالهای زندگی یک نوزاد در صورتی که الگوهای غالب در نرخهای مرگ و میر گروههای سنی مختلف، در تمام طول زندگی کودک و تا پایان عمر وی ثابت بماند.

$$Li = \frac{Actual - min}{max - min}$$

محاسبه شاخص درآمد سرانه

شاخص مورد نظر معرف سطح زندگی افراد یک کشور یا منطقه بوده و از طریق نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت بدست می‌آید.

بهداشتی و درصد کودکان کم‌وزن زیر پنج سال را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین شاخص توسعه انسانی، هویتی مستقل از هر یک از عناصر تشکیل دهنده خود دارد.

بنابراین شاخص توسعه انسانی ترکیبی و مرکب از سه نماگر، به شرح زیر است:

- طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود،

- دسترسی به آموزش که مشتمل بر میزان باسوادی بزرگسالان (با ضریب وزنی $\frac{2}{3}$) و نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی (با ضریب وزنی $\frac{1}{3}$) است،

- سطح زندگی قابل قبول و استاندارد که با محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی (بر حسب برابری قدرت خرید و دلار) اندازه‌گیری می‌شود.

برای تعیین این شاخص، اندازه‌ای حداقل و حداکثر برای هر یک از این نماگرها تعیین شده است که عبارتند از:

- امید به زندگی در بدو تولد: ۲۵ سال و ۸۵ سال،

- میزان باسوادی بزرگسالان: ۰ درصد و ۱۰۰ درصد،

- نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی: ۰ درصد و ۱۰۰ درصد،

- محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی (برابری قدرت خرید - دلار) ۱۰۰ دلار و ۴۰۰۰۰ دلار.

محاسبه نماگر آموزش (دانش):

شاخص ذکور دستاورد نسبی هر کشور در زمینه باسوادی و تحصیلات را نشان می‌دهد. به بیان دیگر شاخص دانش، ترکیبی از دو شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ترکیبی خام ثبت نام در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه است.

برای محاسبه شاخص دانش به نرخ باسوادی بزرگسالان ضریب دو سوم و به نرخ خام ثبت نام در

می‌شود و به همین جهت شاخص آموزشی به میزان ۰/۲۵ / نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش نشان می‌دهد.

شاخص توسعه انسانی، دستاورد نسبی را در زمینه امید به زندگی در بدو تولد اندازه می‌گیرد. برای روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۹۰ معادل ۰/۷۶۱ بوده است.

$$\text{شاخص امید به زندگی در بدو تولد} = \frac{70/7-25}{85-25} = 0/761$$

طبق محاسبات امید به زندگی از ۶۸/۱ در سال ۱۳۸۵ به ۷۰/۷ سال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و شاخص امید به زندگی از ۰/۷۱۷ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۷۶۱ در سال ۱۳۹۰ نیز روند افزایشی را نشان می‌دهد. گسترش تسهیلات و خدمات بهداشتی و افزایش تعداد پایگاههای بهداشتی و درمانی در روستاها، ایمن سازی جامعه در مقابله بیماری‌های مسری از جمله سل، وبا، سرخک و ... باعث افزایش امید به زندگی طی سالهای مورد نظر شده است.

در شاخص توسعه انسانی درآمد بعنوان یک جایگزین برای تمامی ابعاد توسعه انسانی به کار گرفته می‌شود که در معیارهای زندگی طولانی و سالم و تحصیلات لحاظ نشده اند. از آنجایی که دستیابی به یک سطح قابل قبول از توسعه انسانی صرفاً نیازمند درآمد نامحدود نیست، لذا درآمد باید اصلاح و تعدیل گردد بنابراین در محاسبات از لگاریتم درآمد استفاده می‌شود.

$$\text{شاخص درآمد سرانه ناخالص} = \frac{\text{Log}(1642) - \text{Log}(100)}{\text{Log}(40000) - \text{Log}(100)} = 0/465$$

شاخص درآمدی نیز در طی این دوره سیر صعودی داشته و از ۰/۳۳۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۴۶۵ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و درآمد سرانه ناخالص روستائیان هم از ۷۶۶ دلار در سال ۱۳۸۵ به ۱۶۴۲ دلار رسیده است ولی نسبت به دو شاخص دیگر افزایش مطلوبی نشان نمی‌دهد.

$$\text{شاخص درآمد سرانه ناخالص داخلی} = \frac{\text{Log Actual} - \text{Log min}}{\text{Log max} - \text{Log min}}$$

ناخالص داخلی

محاسبه شاخص توسعه انسانی

بعد از این سه شاخص که اجزای HDI هستند با یکدیگر جمع و بر سه تقسیم می‌شوند و شاخص توسعه انسانی محاسبه می‌شود.

یافته‌های تحقیق

ابتدا شاخص باسوادی بزرگسالان و شاخص خام ثبت نام محاسبه می‌شود سپس این دو شاخص ترکیب می‌شوند تا شاخص دانش (تحصیلات) به دست آید. برای این کار به شاخص باسوادی بزرگسالان ضریب دو سوم و به شاخص نرخ ثبت نام خام ضریب یک سوم داده می‌شود. برای مناطق روستایی استان نرخ باسوادی بزرگسالان در سال ۱۳۹۰ برابر ۹۲/۶۷ درصد و نسبت خام ثبت نام آن در همین سال (۱۳۹۰) ۸۰/۱ درصد می‌باشد. شاخص تحصیلات نیز ۰/۸۸۵ بدست آمد.

$$\text{شاخص باسوادی بزرگسالان} = \frac{92/7-0}{100-0} = 0/927$$

$$\text{شاخص ثبت نام خام دانش آموزان} = \frac{80/1-0}{100-0} = 0/801$$

$$\text{شاخص باسوادی بزرگسالان} + \frac{2}{3} (\text{شاخص ثبت نام خام}) + \frac{1}{3}$$

شاخص آموزش

$$= \frac{1}{3}(0/801) + \frac{2}{3}(0/927) = 0/267 + 0/618 = 0/885$$

با توجه به محاسبات انجام شده نرخ باسوادی بزرگسالان از ۸۹/۸۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۹۲/۶۷ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته ولی نرخ ثبت نام ناخالص سیر نزولی داشته و از ۹۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۸۰/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است که بیشتر به دلیل مهاجرت شدید روستائیان به شهر و همچنین عدم وجود دوره آموزش متوسطه در برخی روستاهای استان که باعث خروج دانش آموزان دوره دبیرستان از روستا به شهر جهت ادامه تحصیل

جدول ۴: شاخص توسعه انسانی و نماگرهای آن در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰

عنوان	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	شاخص امید به زندگی	نرخ ترکیبی ثابت نام	نرخ باسوادی	شاخص آموزشی	درآمد سرانه ناخالص (دلار)	شاخص درآمدی توسعه انسانی (HDI)	شاخص توسعه
سال ۱۳۸۵	۶۸/۱	۰/۷۱۷	۹۳/۷	۸۹/۸۷	۰/۹۱۰	۷۶۶	۰/۳۳۸	۰/۶۵۵
سال ۱۳۹۰	۷۰/۷	۰/۷۶۱	۸۰/۱۶	۹۲/۶۷	۰/۸۸۵	۱۶۴۲	۰/۴۶۵	۰/۷۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

۱۳۹۰ افزایش یافته ولی نرخ ثابت نام ناخالص سیر نزولی داشته و از ۹۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۸۰/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است که این امر بیشتر به دلیل مهاجرت شدید روستائیان به شهر و همچنین عدم وجود دوره آموزش متوسطه در بعضی روستاهای استان می‌باشد که باعث خروج دانش آموزان دوره متوسطه از روستا به شهر جهت ادامه تحصیل شده و به همین جهت نیز شاخص آموزشی به میزان ۰/۲۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش نشان می‌دهد. شاخص درآمدی نیز در طی این دوره سیر صعودی داشته و از ۰/۳۳۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۴۶۵ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و درآمد ناخالص روستائیان هم از ۷۶۶ دلار در سال ۱۳۸۵ به ۱۶۴۲ دلار رسیده است ولی نسبت به دو شاخص دیگر افزایش مطلوبی نشان نمی‌دهد.

در تحلیل شاخص توسعه انسانی روستاها به طور کلی می‌توان دو عامل را در نظر گرفت: شاخص آموزشی و بهداشتی که روند مطلوبی در روستاهای استان طی کرده است و شاخص درآمد هر چند که در طی دوره‌های مورد بررسی تا حدودی رشد داشته ولی به درجه مطلوب نرسیده که پایین بودن آن در سالهای مورد بررسی منجر به کندی رشد HDI در مناطق روستایی شده است. بنابراین فرضیه یک و دو تحقیق مورد نظر تأیید شد. پس در سال ۱۳۹۰ شاخص آموزش در روستاها نقش اصلی را در تعیین رتبه شاخص توسعه انسانی دارد. مهمترین عوامل مؤثر در

شاخص توسعه انسانی از مجموع سه شاخص آموزش، امید به زندگی در بدو تولد و درآمد سرانه تقسیم بر عدد ۳ بدست می‌آید که برای مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۰ شاخص ذکور برابر ۰/۷۰۳ برآورده شده است.

$$HDI = \frac{0/885 + 0/761 + 0/465}{3} = 0/703$$

بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر مبنی بر ارزیابی شاخص توسعه انسانی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد اکنون به تجزیه و تحلیل حاصل از نتایج بدست آمده می‌پردازیم.

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان بهبود یافته و در سال ۱۳۸۵ از ۰/۶۵۵ به ۰/۷۰۳ در سال ۱۳۹۰ رسیده که با توجه تقسیم بندیهای جهانی جزء شاخص توسعه انسانی متوسط محسوب می‌شود. امید به زندگی از ۶۸/۱ در سال ۱۳۸۵ به ۷۰/۷ سال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و شاخص امید به زندگی از ۰/۷۱۷ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۷۶۱ در سال ۱۳۹۰ افزایش نشان می‌دهد. از دیگر شاخص‌ها شاخص آموزشی است که خود از ترکیب دو شاخص دیگر یعنی نرخ ثابت نام ناخالص دانش آموزان و نرخ باسوادی بزرگسالان تشکیل شده است که نرخ باسوادی بزرگسالان از ۸۹/۸۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۹۲/۶۷ درصد در سال

دسترسی برابر به خدمات بهداشتی، آموزشی در کشور رعایت نشده است، هر چند عوامل متعددی از قبیل خصوصیات جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی در شکاف فقر انسانی دخیل بوده ولی آنچه مسلم است، نقش سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی در توزیع برابر فرصت‌ها و بسترسازی مناسب به منظور دسترسی برابر به خدمات اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که این مسئله در ایجاد یک توسعه متعادل منطقه‌ای ضروری بوده تا برنامه‌های توسعه بتوانند عدم تعادل‌های منطقه‌ای موجود را به حداقل برسانند.

در این پژوهش نتایج اینطور نشان می‌دهد که وضعیت توسعه انسانی در روستاهای استان بهبود یافته و از توسعه انسانی پایین به توسعه انسانی متوسط افزایش یافته است یعنی از ۰/۴۴۶ در سال ۱۳۷۵، به ۰/۷۰۳ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. اما همچنان از مقدار مطلوب فاصله زیادی دارد و نسبت به شاخص توسعه انسانی کشور که بر اساس گزارش (۲۰۰۸-۲۰۰۷) UNDP، ۰/۷۵۹ است، تفاوت دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد شاخص درآمد نتوانسته سهم قابل قبولی در افزایش وضعیت توسعه انسانی داشته باشد که توجه به راهکارها و سیاست‌هایی برای افزایش درآمد سرانه روستائیان ضروری به نظر می‌رسد.

پیشرفت توسعه انسانی روستاها افزایش نرخ باسوادی بزرگسالان و امید به زندگی در نتیجه اجرای سیاست‌ها و راهکارهای مناسب است و در این زمینه از بین شاخص‌های مؤثر در محاسبه HDI، شاخص آموزش و شاخص درآمد، به ترتیب بیشترین و کمترین سطح را به خود اختصاص داده است (رفیعی امام و عباس نژاد، ۱۳۸۴).

جدول (۵) مقایسه شاخص توسعه انسانی (HDI) استان و مناطق شهری و روستایی آن را نشان می‌دهد. همانطور که جدول نشان می‌دهد امید به زندگی در روستاهای استان در سال ۱۳۹۰ معادل ۷۰/۷ سال بوده است که ۵/۶ سال از میانگین مناطق شهری استان و ۲/۸ سال از میانگین سطح استان و ۲/۶ سال از میانگین کشوری کمتر می‌باشد.

این مسئله نشان دهنده پایین بودن سطح بعضی موارد بهداشتی و درمانی در مناطق روستایی استان می‌باشد. مقایسه امید به زندگی در روستاهای استان (۷۰/۷) با کل کشور (۷۳/۳۵) و استانداردهای جهانی (۸۵ سال) ضرورت تداوم تخصیص منابع مالی به امور بهداشتی، گسترش خدمات بهداشتی اولیه، تأمین آب سالم، گسترش واکسیناسیون، گسترش مراقبت از زنان و مادران، افزایش خدمات زایمانی و ... را با اهمیت تر می‌نماید. بطور کلی مطالعات این تحقیق نشان می‌دهد که تعادل‌های منطقه‌ای در زمینه توزیع درآمد و عدم

جدول شماره ۵: مقایسه شاخص توسعه انسانی و ناگرهای آن در مناطق روستایی و مناطق شهری استان و سطح

استان در سال ۱۳۹۰

عنوان	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	شاخص امید به زندگی	نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص (درصد)	نرخ باسوادی بزرگسالان	شاخص آموزشی	درآمد سرانه ناخالص (دلار)	شاخص درآمدی توسعه انسانی (HDI)	شاخص توسعه انسانی
استان	۳/۵	۰/۸۰۸	۹۴/۵	۹۰/۴۳	۰/۹۱۷	۲۱۸۳	۰/۷۵۴	
مناطق شهری	۷۶/۳	۰/۸۵۵	۱۰۵/۵	۹۱/۵۵	۰/۹۶۰	۲۷۲۴	۰/۷۸۸	
مناطق روستایی	۷۰/۷	۰/۷۶۱	۸۰/۱۶	۹۲/۶۷	۰/۸۸۵	۱۶۴۲	۰/۷۰۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

پس می‌توان گفت اگر قرار است توسعه انسانی صورت بگیرد که مستمر و پایدار باشد باید از مناطق روستایی آغاز شود، مسائلی از قبیل فقر گسترده، نابرابری، بیکاری فزاینده، بهداشت نامناسب، بهره‌وری پایین کشاورزی، عدم رفاه و ... تماماً ریشه در رکود زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد. لذا هر نوع سیاستی جهت کاهش فقر و توسعه انسانی لزوماً باید در جهت توسعه روستایی باشد. بنابراین می‌توان گفت اصولاً توسعه روستایی مفهومی جدا از توسعه انسانی نیست.

پس افزایش سطح توسعه انسانی در روستاها مستلزم یک سری اقدامات برنامه ریزی شده نظام مند و منظم برای افزایش درآمد، آموزش و بهداشت است و هر یک از سه مؤلفه فوق تابع سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بلندمدت و کوتاه مدت در توسعه و عمران روستاهاست که بخشی از آن به فعالیت‌های کشاورزی روستائیان مربوط می‌شود (توسعه کشاورزی).

توسعه مناطق روستایی باید در یک چارچوب و استراتژی ملی برنامه ریزی گردد. فرایند توسعه در هر منطقه نیاز به برنامه ریزی کوتاه مدت و بلندمدت دارد در شناخت و بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی که به صورت مطالعه موردی در استان قزوین صورت گرفته با روش نظام‌مند سعی شده تا ضمن توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شیوه متفاوتی در مطالعات مربوط به مهاجرت ارائه شود. به نظر میرسد راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته موانع توسعه روستایی را کاهش دهد و در عین حال پایداری محیط زیست را تأمین نماید. به همین دلیل توسعه روستایی همچنان با چالش‌های عمده‌ای در آغاز قرن ۲۱ مواجه است. گسترش شکاف درآمدی، افزایش فقر، گرسنگی، مشارکت پایین، ضعف سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی، فقدان زیرساخت‌های مناسب و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بویژه در کشورهای

توسعه نیافته باعث گردیده که این کشورها به بازنگری در راهبردهای توسعه روستایی بپردازند و از سیاست‌های خوشبینانه‌ای که پیش از این دنبال می‌کردند خارج شده و بر رویکردها و سیاست‌هایی تمرکز یابند که بر توسعه روستایی تأکید بیشتری داشته و مستقیماً وضع زندگی فقیران روستایی را هدف قرار دهند. بنابراین برنامه ریزی برای جامعه روستایی ایران با چنین ویژگی نیازمند رهیافت خاصی است. بر همین مبنای شناسایی مسائل عمده توسعه پایدار روستایی پیش شرطی برای تدوین سیاستها و ارائه الگویی انعطاف‌پذیر برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. برای تحقق این هدف، با طراحی سیستماتیک و جامع شاخص‌های مؤثر در توسعه پایدار روستایی و ارزیابی آن در روستاهای نمونه در بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد مشخص گردید که علیرغم سالها تلاش در زمینه -های عمرانی و کالبدی، زیرساخت‌های اقتصادی مناطق روستایی مورد مطالعه از نارسایی وسیعی برخوردار بوده و به عنوان مهمترین اولویت مسائل روستائیان مطرح است.

- باید راهبرد توسعه مناطق روستایی به گونه‌ای باشد که افزون بر گسترش قابلیت‌های طبیعی و کشاورزی این مناطق، به توانمندی‌های انسانی و اشتغال نیز توجه شود؛ زیرا توسعه انسانی بعدی از توسعه است که با انسان سروکار دارد و می‌توان با بذل و توجه بدان، از پیامدهایی مانند مهاجرت از روستا به شهر و خالی از سکنه شدن روستاها پیشگیری کرد.

از میان ویژگی‌های مکانی فضایی مرتبط با مناطق روستایی، به نظر میرسد که میزان خدمات موجود در هر یک از روستاهای نمونه در بروز انگیزه مهاجرت و گرایش به مهاجرت مؤثر است. این بدان معناست که در روستاهای با امکانات خدماتی کمتر، شاخص‌های توسعه انسانی نیز کمتر و میزان گرایش به مهاجرت در جوانان روستایی بیشتر است.

بررسی و شناخت نقاط ضعف و شناسایی شاخص‌هایی که در مناطق روستایی شهرستان‌های

استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۰).
 سالنامه آماری کشور (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰).
 سازمان ملل متحد (۱۹۹۰): گزارش توسعه انسانی.
 سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
 صادقی، حسین و عبدالمهدی حقی، سولماز (۱۳۸۶)، «توسعه انسانی در ایران»، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم.
 گزارش اجتماعی اقتصادی استان کهگیلویه و بویراحمد، (۱۳۸۹).
 مرکز آمار ایران، سرشماری جمعیت و نفوس و مسکن (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰).
 مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰).

Anand, S & Sen, A. (2000), Human Development and Economic Sustainability, World Development, Vol,28,No.12.
 Human development Report (2003): Millennium Development Goals: a compact among nations to end human poverty.
 UNDP, Human Development report (1999): New York, oxford university press.
 UNDP, Human Development Report (2007): New York, oxford university press.
 Anand, S. and Sen, A.k. (1996), Sustainable human development: concepts and priorities. Office of development studies discussion paper, No. 1. New York: UNDP.

توسعه نیافته در سطح پایین تری قرار دارند تا بتوان از این طریق، بینش و روشنگری‌های لازم برای تقویت و تسریع محورهای توسعه این مناطق را به مسئولان و برنامه ریزان بخشید. در راستای توسعه روستایی و تعدیل نابرابری‌های روستایی، ایجاد رویکردی مناسب در توزیع امکانات و خدمات از پارامترهای ضروری در برنامه‌های توسعه روستایی است؛

به نظر می‌رسد برای افزایش سطح توسعه در روستاها و به اشتراک گذاشتن سرمایه‌های داخلی روستایی، اعم از طبیعی، مالی و انسانی و... متخصصان و برنامه ریزان روستایی نیازمند استفاده از این فاکتور سرمایه اجتماعی (به عنوان یک پیش‌بینی کننده ی ضروری می‌باشند).

- در زمینه کشاورزی باید از طریق بهبود روشهای تولید و ارتقای ابزار کار و برطرف نمودن موانع موجود، بازدهی تولید را که هم اکنون در سطح پایینی قرار دارد، افزایش داد.

منابع و مأخذ

آسایش، حسین (۱۳۷۱)، «توسعه انسانی و چشم انداز آن در کشورهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۲۴.

آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۰).

آمار اخذ شده از شبکه بهداشت و درمان استان کهگیلویه و بویراحمد در مورد شاخصه‌های بهداشتی (۱۳۹۰).

آمار نهضت سوادآموزی استان در مورد آموزش دیدگان (۱۳۹۰).

افشانی، علیرضا، ابراهیم پور، صدیقه و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۰)، مقایسه نقاط روستایی کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳.